

## شورای همکاری گامی به سوی جنبش کارگری یا لیبرالیسم

محمد احسان

دوشنبه بیست نهم مهر ۱۳۸۷

اتحاد عمل در جهت ارتقاء و رشد جنبش کارگری جزء آمال و دغدغه تک تک فعالین صادق بوده و در همین راستا نیز، با تشکیل شورای همکاری در روزهای اول شورو شوقی در بین فعالین بوجود آمد. اما دیری نپائید و بزودی مشخص شد که راهی پر پیچ و خم مقابل روی تشکلهای و فعالین کارگری قرار دارد، راهی که با نقد و بررسی صادقانه هر گام کوچک میتوان آن را پیمود و در جهت ارتقاء و رشد جنبش کارگری تلاش کرد.

شورای همکاری با فراخوان اتحاد کمیته های کارگری، در جهت اتحاد عمل تشکلهای و فعالین کارگری براساس پاسخ گویی به مسائل مبرم و روز جنبش کارگری، شروع به فعالیت کرد. اتحاد عملی در جهت رشد و ارتقاء جنبش کارگری، اتحاد عملی که بتواند به خرده کاریها و ائتلاف نیروی فعالینی که بنا به شرایط پراکنده بودند، پایان دهد. اتحاد عملی که کمک کند نه تنها تشکلهای شرکت کننده در آن فعالیت عمل کنند بلکه با تکیه به تجربیات دیگر تشکلهای و فعالین بتوانند به معضلاتی که در آن شرایط گرفتارش بودند، پاسخ داده و گامی به جلو بردارند.

اکنون که نزدیک به ۲ سال از شروع کار شورا میگذرد باید دید شورا به ابتدائی ترین اهدافش رسیده است؟ آیا با تشکیل شورای همکاری، از خرده کاریها و ائتلاف نیروی فعالین جلوگیری شده است؟ آیا با این اتحاد عمل گامی در جهت پاسخ گویی به معضلات مبرم و روز جنبش کارگری برداشته شد؟ آیا شورای همکاری برای رسیدن به مطالبات مبرم کارگران در جهت حرکتی سازمان یافته گام برداشته است؟ مسلماً جواب تمام این سؤاها منفی است چرا؟ چرایی که باید در عملکرد شورا آن را بررسی نمود.

در شکل گیری شورای همکاری، دو تشکل اصلی یعنی کمیته پیگیری و کمیته هماهنگی حضور داشتند. دیگر تشکلهای وابسته به آنها بوده و یا حضوری فعال و ادامه دار نداشته اند. در ضمن به ظاهر شورا از چندین گروه تشکیل شده بود، ولی در واقع چندین نام متعلق به هماهنگی بوده و تنها در روی کاغذ این نام ها به طور جداگانه نوشته می شد. باید یاد آور شد، شورای همکاری با فراخوان اتحاد کمیته های کارگری شروع به فعالیت کرد.

اما آنها عملاً با کمیته هماهنگی یکی بوده و در یک جهت نیز عمل می نمودند و اخیراً اعلام رسمی کرده اند، با کمیته هماهنگی ادغام شده و یکی هستند. به همین علت ساده، یعنی از نظر کمی، کمیته هماهنگی توانسته در شورای همکاری تأثیر غالب داشته باشد.

پس از اولین عملکرد شورای همکاری در اول ماه مه ۸۵، برخوردهای انحصار طلبانه و فرقه ای کمیته هماهنگی، بعنوان معضل اصلی، در روند رو به رشد شورای همکاری مطرح شد و دانشجویان برابری طلب با نقد این عملکرد از شورا کناره گیری نمودند. اما متأسفانه کمیته پیگیری به جای نقد روشن و شفاف اینچنین برخوردهایی که در شورا موارد زیادی نیز بوده، به این اکتفا نمود که از طریق نماینده خود در نشستهای شورا، این برخوردها را نقد کرده و گوشزد نماید.

در حالیکه برخوردهای فرقه ای و انحصار طلبانه کمیته هماهنگی بطور مکرر تکرار شده و دیگر جزئی از عملکرد اصلی آنها در شورا محسوب میشود آنچنانکه در روند اصلی حرکت شورای همکاری تاثیر گذارده و آنان شورا را در جهتی که منافع فرقه و سکت خودشان است سمت و سومی دهند. عملکردی که نتیجه اش این بوده به جای حرکت در مسیر گسترش اتحاد عمل و پیوستن تشکلهای و فعالین دیگر به شورای همکاری، امروز دیگر عملاً کمیته پیگیری و هماهنگی در شورا مانده است. به چند مورد از برخوردهای شورای همکاری اشاره می کنم: از سوی کمیته پیگیری پیشنهادهایی عملی مانند لغو قراردادهای موقت\*، تشکیل کمیته اعتصاب\*\*، ایجاد صندوق اعتصاب\*\*\* به شورای همکاری برده شد. اما هیچگاه نه تنها قدمی در جهت آنها از سوی شورای همکاری برداشته نشد بلکه به نوعی سعی شد به عنوان عاملی در مقابل این حرکتها عمل شود. به یکی از این نوع برخوردها اشاره کوتاهی می کنم: در چند ماه گذشته، کمپین حمایت از کارگران اعتصابی هفت تپه از سوی کمیته پیگیری اعلام شد و در پی آن نیز اعضاء کمیته پیگیری حول این کمپین فعال شدند. کمیته پیگیری با اعلام کمپین، طی چند اطلاعیه و دعوتنامه رسمی از تمام تشکلهای و فعالین کارگری خواست برای برنامه ریزی و پیشبرد کمپین، کمیته پیگیری را همراهی کنند. متعاقب آن چند تشکل از این کمپین اعلام حمایت نمودند. اما شورای همکاری که کمیته پیگیری بعنوان یکی از اعضاء اصلی آن محسوب میشود، در ارتباط با این کمپین هیچ گامی برنداشته و حتی بصورت یک نوشته نیز از این کمپین حمایت نکردند. اگر این حرکت کمیته پیگیری در جهت منافع جنبش کارگری نبوده، در درجه اول آنها که خود را به عنوان یک تشکل کارگری قلمداد می کنند، ملزم بودند این حرکت را نقد کنند. اما چنین حرکتی از سوی آنان صورت نگرفت، انگار که اصلاً در جامعه ای که آنان زندگی می کنند چنین حرکتی مطرح نشده، در حالیکه کمیته پیگیری در شورای همکاری با کمیته هماهنگی در جهت اتحاد عمل گام برداشته و به ظاهر آنان می خواهند همراه کمیته پیگیری، کاری در جهت جنبش کارگری انجام دهند. جالب است اشاره کنم، در حمایت از کارگران هفت تپه از سوی شورای همکاری گلگشتی برگزار شد که در برگزاری آن، کمیته پیگیری همراه کمیته هماهنگی فعالانه شرکت داشت و در همین گلگشت نیز اعضاء کمیته پیگیری در مورد کمپین و اهداف آن در حضور جمع، گفتگو کرده و خواستار حمایت از این کمپین شدند. اما هیچ عکس العملی از سوی آنان در مورد کمپین حمایت از کارگران اعتصابی هفت تپه، دیده نشد. چون با منافع گروه و فرقه آنها هم خوانی نداشت و مهر تشکل آنان بر این حرکت نخورده بود.

برعکس اخیراً آنها سعی کرده اند تحت لوای شورای همکاری، نزدیکی و همکاری با کانون دفاع از کارگران یا بهتر بگویم با آقایان رئیس دانا، تقفی، زرافشان که در جامعه لیبرالیسم را نمایندگی می کنند و حامی پروپا قرص رفرمیسم هستند، داشته باشند. آقایانی که در هیچ مقطعی نه تنها دغدغه شان جنبش کارگری نبوده حتی در جهت نزدیکی با این جنبش نیز قدمی برنداشته اند. البته در این نوشته جای نقد لیبرالیسم و این آقایان نیست و مسئله من نیز نمی باشد. تلاش من در این نوشته روشن شدن اذهان فعالین کارگری، در مورد جریاناتی است که اینهمه سنگ طبقه کارگر را به سینه می زنند و به دنبال دستان پینه بسته اند تا ثابت نمایند، طرفدار طبقه کارگر هستند. جریاناتی که فقط می خواهند از وجود کارگران در جهت منافع خود سود ببرند و جزء دنباله رو کردن کارگران به سیاستهای بورژوازی تلاش دیگری ندارند. در بالاتر اشاره شد که معضل اصلی شورای همکاری، برخوردهای فرقه ای و انحصار طلبانه کمیته هماهنگی می باشد. برخوردهایی که با اندیشه و عمل طبقه کارگر کاملاً بیگانه بوده و مختص به طبقه ای است که تنها سود خود را می بیند

و معیاروارزشش سودی است که در هر رابطه ای می برد. اینکه بگوئیم کمیته هماهنگی ناخواسته و یا از روی نا آگاهی دچار برخوردهای انحصارطلبانه و فرقه ای است، برخوردی سطحی و غلط کرده ایم. اینگونه عملکرد دقیقاً از اندیشه و تفکرات حاکم بر آنان نشأت میگیرد. کمیته هماهنگی فعال در شورای همکاری همان اکثریت در کمیته هماهنگی است که تحت نظرات جناب آقای حکیمی از همان بدو تأسیس، هویت خود را در ضدیت با جنبش چپ تاکنونی تعریف کرده و در تخریب جریانات چپ همیشه کوشا بوده و تمام تلاششان برحذر داشتن کارگران از این جریانات بوده است. هرچند از حکیمی جدا شده و تشکل مستقلی محسوب میشوند اما از نظر تفکر و خطوط اصلی نگرش، مرزبندی روشن و شفافی با حکیمی نداشته و در عمل نشان دادند راستای فکری آنها، همان اندیشه های حکیمی است. چنین جریاناتی، طبیعی است به جای نزدیکی هرچه بیشتر با کمیته پیگیری، در جهت نزدیکی با لیبرالیزم گام بردارند.

در آخر یاد آور می شوم، در این نوشته سعی کردم در جهت رفع معضلی که هر کدام به نوعی به آن گرفتاریم گامی هرچند کوچک بردارم به این امید که سر آغاز برخوردهای اندیشه بشکل اصولی و درست در سطح جنبش کارگری باشد.

محمد احسان

۲۸ مهر ۱۳۸۷

بولتن ۷ کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های آزاد کارگری

سلام دمکرات

\*- لغو قراردادهای موقت ، مطالبه ای است که اکثر کارگران با آن درگیرند و در این شرایط یکی از معضلات آنها محسوب میشود . باید آن را در سطح جامعه طرح نمود و سعی کرد اعتراض کارگران را در جهت لغو آن سازماندهی نمود .

\*\* - روزی نیست که خبر اعتصاب کارگران را نشنویم، کارگران در هر گوشه ای از جامعه در اعتصاب و اعتراض بسر می برند. در این شرایط کمیته اعتصابی که بتواند بطور متمرکز در اطلاع رسانی از این اعتصابات و مرتبط کردن بخش های مختلفی که در اعتصاب هستند و انتقال تجربیاتشان به دیگر کارگران و هزار کار دیگر که می تواند در این رابطه و در جهت موفقیت کارگران انجام دهد ، ضروری است .

\*\*\* - مشخص است که ضروری ترین نیاز هر کارگر اعتصابی خصوصاً، برای ادامه اعتصاب و رسیدن به موفقیت، نیاز مالی است. صندوق اعتصابی که کارگران در ایجادش فعال باشند، در جهت رساندن کمک دیگر کارگران به کارگران اعتصابی در این شرایط ضروری است.